



The expectations from the civilized seminary by looking at the statements of the Supreme Leader; Critical review of the new program announced by the management center of seminaries in 2023

Ali Karami^{*1} | Seyyed Hasan Mahdikhani Sarvjahani²

Abstract

Shai as an Islamic religious sect, has a powerful organization of clergy under the seminary organization. With the occurrence of the Islamic revolution, this institution saw many changes and made structural and content changes at different stages. The last of these developments is the program that was announced at the beginning of the 2023 academic year after six years of research work and experimental implementation. In this article, an attempt has been made to examine this program with a critical view and to examine its difference with the previous program and finally to state its merits and demerits. Finally, the neglected expectations in this program to reach the seminary at the level of Islamic civilization have been identified and expressed based on the statements of the Supreme Leader Imam Khamenei. Therefore, the purpose of this research is to discover the characteristics of the seminary at the level of Islamic civilization based on the thought of the Supreme Leader Imam khamenei. This research, in its different steps, has used meta-analysis methods, documentary studies and gap analysis to achieve its goals. Finally, this research has its hope by introducing 16 unique features of this program, which differentiates this program from the previous program, and adding it with seventeen expectations discovered from the statements of the supreme leader and Islamic revolution thought, to draw a suitable image of the seminary in accordance with Islamic civilization.

Keywords: seminary, Ayatollah Khamenei, Islamic civilization, expectations, transformation.

1. Corresponding Author:forth level student of Howzeh Elmieh (Seminary) , Qom, Iran.
ali.karami@ihu.ac.ir
2.Department of Islamic Studies, Qazvin Branch, Islamic Azad Univercity, Qazvin, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انتظارات از حوزه علمیه تمدنی با نگاه به بیانات مقام معظم رهبری؛ بررسی انتقادی برنامه جدید ابلاغی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در سال ۱۴۰۱

علی کریمی*^۱ | سید حسن مهدبخانی سروجهانی^۲

چکیده

شیعه به عنوان یکی از فرق مذاهب اسلامی، از سازمان‌دهی نیرومند روحانیت تحت سازمان حوزه علمیه برخوردار است. این نهاد با وقوع انقلاب اسلامی، تحولات بسیاری به خود دید و در مراحل مختلف تغییرات ساختاری و محتوایی را انجام داد. آخرین این تحولات، برنامه‌ای است که با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۱ بعد از شش سال، کار تحقیقاتی و اجرای آزمایشی ابلاغ شد. در این مقاله تلاش شده تا این برنامه با نگاهی انتقادی مورد بررسی قرار گیرد و ممیزه‌های آن با برنامه قبلی مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت محاسن و معایب آن بیان گردد. در نهایت نیز انتظارات مغفول مانده در این برنامه جهت نیل به حوزه علمیه تراز تمدن اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری شناسایی و بیان شده‌اند. از این رو سوال اصلی این پژوهش شناسایی ویژگی‌های حوزه تراز تمدن اسلامی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری است. این تحقیق، در گام‌های مختلف خود از روش‌های فرتحلیل، مطالعات اسنادی و تجزیه و تحلیل شکاف برای نیل به اهداف خود به کار بسته است. در نهایت این پژوهش با معرفی شانزده ویژگی منحصر بفرد این برنامه که موجب تمییز این برنامه با برنامه قبلی شده و ضمیمه آن با انتظارات هفده‌گانه کشف شده از بیانات مقام معظم رهبری و اندیشه انقلاب اسلامی ایشان، امید آن را دارد تا بتواند تصویر مناسبی از حوزه علمیه در خور تمدن اسلامی را به تصویر بکشاند.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه، انتظارات، تمدن اسلامی، آیت الله خامنه‌ای، تحول.



دوره چهارم
بهار ۱۴۰۲
صص: ۳۷-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۱/۱۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۲/۲۹



مقدمه و بیان مسئله

شیعه به عنوان یکی از فرق مذاهب اسلامی، از سازماندهی نیرومند روحانیت تحت سازمان حوزه علمیه برخوردار است. اصطلاح حوزه علمیه از بطن تحولات سیاسی اجتماعی عصر مشروطه برآمد که نخستین بار به مفهوم امروزی آن، بر نهادی اطلاق شد که شیخ عبدالکریم حائری در قم بنیان نهاد. (دانشیار، ۱۳۹۱، ۸۱) از آن سال‌ها تا تحقق انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، حوزه علمیه نقش خود را در جامعه پر رنگ‌تر کرد تا جایی که مقام معظم رهبری در بیان نقش حوزه علمیه در انقلاب اسلامی این چنین می‌فرمانید: «در مبارزات سیاسی در کشور مردم تا حدودی ورود داشتند، لکن دو مجموعه، ورود واضح و اثرگذار و یبنی داشتند: یکی حوزه‌های علمیه و علمایند (علمای شیعه)، یکی هم دانشگاه‌ها.» (بیانات در دیدار بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

از سال ۱۳۵۷ تا آغاز زعامت و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه با وجود تغییراتی که بعد از انقلاب اسلامی در ساختار خود ایجاد کرده بود مانند تشکیل شورای مدیریت حوزه در اوایل سال ۱۳۶۰ با نظر امام راحل و راه اندازی تشکلی نه نفره مرکب از سه نفر نمایندگان حضرت امام و سه نفر نمایندگان حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سه نفر نمایندگان جامعه مدرسان حوزه علمیه، کج‌دار و مریض مسیر خود را طی کرد تا جایی در ۲۸ بهمن ۱۳۷۰ حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولان مجله حوزه صراحتاً دم از تحول در حوزه علمیه زدند.

دو روز بعد از این دیدار، رهبر انقلاب در دیداری که با اساتید، طلاب و فضلا در مدرسه علمیه فیضیه قم داشتند، فقدان وجود دستگاه مدیریت منسجم و مشخص را عامل عقب ماندگی حوزه و ناتوانی در پاسخ به نیازهای جامعه معرفی کردند که در نهایت سنگ بنایی شد تا در اوائل دهه هفتاد شمسی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور در قم آغاز به کار کند.

بعد از گذشت پانزده سال از اجرایی شدن گام نخست تحولات، آیت الله خامنه‌ای مجدداً در سال ۱۳۸۶، ضرورت تحول در نظام ساختاری و محتوایی حوزه علمیه را این چنین بیان داشتند: «حالا آقایان بیان کردید در شیوه آموزش، در شیوه پژوهش، در شیوه پذیرش، در کتاب درسی؛ همه اینها تحول می‌خواهد. نگوئید ده سال پیش، پانزده سال پیش لازم بود، این برنامه را نوشتیم. خیلی خوب، آن برنامه مال ده سال پیش بود، ببینید شکل تکمیل یافته این برنامه چیست؟ تحول یعنی این؛ یعنی به‌روز بودن، به‌نگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن.» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۰۹/۰۸) بعد از این بیانات و تأکیدات ایشان در سال‌های بعد، سرانجام در ۱۳۹۱/۰۴/۱۱ برنامه پیشنهادی حوزه به تصویب شورای عالی حوزه رسید و بعد از سه سال اصلاح ایرادات، از سال ۱۳۹۴ به مدت ۶ سال به صورت مرحله‌ای در ۱۲، ۱۳۰ و ۲۵۰ مدرسه آزمایش شد و در نهایت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ با ابلاغ رسمی آیت الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور، برنامه تحولی حوزه‌های علمیه به اجرا درآمد.

با توجه به اهمیت موضوع تحول حوزه‌های علمیه در نظام اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نگارنده بر آن شد تا طی پژوهشی، تغییرات ابلاغی جدید حوزه‌های علمیه را با نگاهی انتقادی از لحاظ محتوایی و ساختاری مورد بررسی قرار دهد و در جهت پاسخگویی به این سوالات فرعی اقدام نماید:

۱. وضعیت موجود حوزه‌های علمیه از لحاظ ساختار و محتوا تا پیش از برنامه ابلاغی چگونه است؟

۲. وضعیت ساختاری و محتوایی حوزه‌ها با اعمال این برنامه چگونه خواهد بود؟

۳. تا چه حد محتوای مطروحه در برنامه جدید حوزه‌های علمیه پاسخگوی نیازهای روز جامعه است؟

۴. انتظارات مغفول مانده در برنامه جدید ابلاغی به منظور رسیدن به حوزه تراز تمدن اسلامی کدامند؟

امید است که این پژوهش، بتواند خلأهای احتمالی موجود در این برنامه را بر سیاست گذاران حوزه‌های علمیه آشکار کند و هر چه سریع‌تر در جهت حل آنها اقدام شود. در خصوص نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین هم ذکر این نکته ضروری است که تا کنون کمتر برنامه‌های ابلاغی شورای عالی حوزه‌های علمیه بر اساس اندیشه امامین انقلاب علی‌الخصوص امام خامنه‌ای مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، از این رو امید است که بتواند گامی مفید در این راستا بردارد.

مبانی نظری پژوهش

تمدن اسلامی

واژه تمدن (civilization) از لغت لاتینی سیویس (civis) به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت استفاده شده است. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را دارد و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. (صفوی، ۱۴۰۰، ۱۸۱)

تمدن نوین اسلامی کلیدواژه‌ای است که مقام معظم رهبری از آن استفاده می‌کنند. ایشان درباره چیستی تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه می‌باشد، اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم می‌توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌باشد.» (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳) از یک نگاه، تمدن اسلامی همان تمدن نوین اسلامی است؛ اما از نگاهی دیگر تمدن نوین اسلامی معنا شد، پیشرفت همه جانبه دو بخش اصلی دارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «یک بخش [بخش] بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم،

اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است، وسیله است. [بخش دوم:] اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و...؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.» (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳) از این رو حوزه علمیه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تمدن ساز و وظایف سنگینی در این مهم دارد که باید به آن توجه بسیار شود. لذا برای تحقق آن رسالت، باید در وهله اول ساختار و سپس محتوای خود را متناسب با آن تمدن و در راستای آن تنظیم نماید.

ارزیابی

تعریف ارزیابی در فرهنگ فارسی معین "بهای چیزی را معین کردن" است. لغت جایگزین آن در زبان فرانسه نیز (évaluer) به معنی "پیدا کردن ارزش" است. بنابراین فرایند تعیین ارزش یا اهمیت چیزی را ارزیابی گویند. اولین تعریف ثبت شده از ارزیابی به نام رالف تایلر است. وی ارزیابی را وسیله‌ای جهت سنجش میزان رسیدن برنامه به اهداف می‌داند. در این تعریف اهداف به تغییرات مطلوب اشاره می‌کند که انتظار می‌رفت در اثر اجرای یک برنامه آموزشی در رفتار فراگیران حاصل آید. (تایلر، ۱۴۰۱، ۳۲)

به گفته برخی از صاحب‌نظران، ارزیابی با دو واژه ارزشیابی و سنجش مترادف می‌باشد و نمی‌توان بین این سه واژه تفاوت معنایی و مفهومی قائل شد. عده‌ای نیز این سه واژه را از یکدیگر تفکیک کرده و حیطه کاربرد آن را درجه بندی کرده‌اند. روش‌های ارزشیابی و سنجش مترادف می‌باشد و نمی‌توان بین این سه واژه تفاوت معنایی و مفهومی قائل شد. عده‌ای نیز این سه واژه را از یکدیگر تفکیک کرده و حیطه کاربرد آن را درجه بندی کرده‌اند.

ارزیابی را می‌توان با توجه به مرحله زمانی مورد بررسی در چرخه عمل به سه دسته عمده تقسیم کرد:

الف) ارزیابی آینده نگر یا پیشینی؛ این ارزیابی در زمان تدوین خط مشی انجام می‌شود و طی آن عقلانیت و دلایل توجیهی خط مشی یا برنامه بررسی می‌شود. در این ارزیابی، روش کار و الگوی منطقی انجام فعالیتهای خط مشی برای حصول نتایج ترسیم شده و زمان و میزان تحقق نتایج خط مشی برآورد می‌شود.

ب) ارزیابی حین اجرا؛ نظارتی است که طی عمر اجرایی یک خط مشی و به طور مستمر و مرحله‌ای انجام می‌شود تا با علائم هشدار سریع به مجریان، اصلاحات لازم حین اجرای انجام پذیرد.

ج) ارزیابی گذشته نگر یا پسینی، پس از اتمام اجرای خط مشی انجام می‌شود و خروجی‌های بالفصل، پیامدها و اثرات خط مشی را بررسی می‌کند و درخصوص کارآمدی خط مشی در تحقق اهداف قضاوت انجام می‌دهد. (واعظی، ۱۳۹۶، ۴۹) مطلوب ترین نوع ارزیابی، ارزیابی آینده نگر یا پیشینی است و متداولترین آنها، ارزیابی گذشته نگر است و در ارزیابی حین عمل، مسائل در زمان وقوع مورد ارزیابی و رتق و فتق قرار می‌گیرند. (مقیمی، ۱۳۹۴، ۵۱۹)

پیشینه پژوهش

پژوهشگران و اندیشمندان به واسطه اهمیت حوزه علمیه در حدوث و بقای انقلاب اسلامی، همواره مباحث و پژوهش‌های متعددی در خصوص حوزه علمیه آرمانی و تراز تمدن اسلامی و نقش آن در تمدن سازی انجام داده‌اند و از زوایای مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند. اگر به صورت جدی ادبیات پیشین را بررسی کرد، مواردی از پژوهش‌ها بیشترین ارتباط را با موضوع مورد بحث یعنی حوزه علمیه تراز در تمدن اسلامی دارد که بخشی از این آثار عبارتند از:

جدول ۱. جدول پیشینه ادبیاتی موضوع حوزه علمیه و تمدن اسلامی

در این مقاله، پژوهشگر هشت خصیصه حوزه تمدن ساز را بیان می‌کند: نظریه پردازی در شاخه‌های علوم انسانی؛ زمان شناس بودن و رصد پدیده‌های اجتماعی؛ مجهز به قطب‌های مسئله؛ ارتباط دوسویه با سازمان‌ها و مراکز اجرایی و علمی؛ آگاهی کافی به نظام معرفتی رقیب؛ مراقبت از نفوذ استکبار؛ تفاوت میان دوست و دشمن؛ آرمانگرایی و عدم اکتفا به حداقل.	استادبان خانی علیرضا و همکار، ۱۳۹۹	بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی با تاکید بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای
پژوهشگر در این پژوهش معتقد است که باید نوع نگاه طلاب و حوزه‌های علمیه به گزاره‌های دین از نگاه خرد، فردی، مشغول و صرفاً اخلاقی و توصیه‌ای به گزاره‌های دین به نگاه کلان نسبت به گزاره‌های دین با اثبات ظرفیت تمدنی گزاره‌های دین برای آگاه سازی طلاب نسبت به ظرفیت تمدنی گزاره‌های دین، تغییر پیدا کند.	سعید احمدی حسن، ۱۳۹۴	تحول در سیستم حوزه علمیه به سمت حوزه علمیه تمدن ساز برای تولید سیستم اسلامی

نویسنده در این مقاله، شاخص‌های انقلابی گری را برای حوزه علمیه در پنج اصلی (پایبندی به مبانی انقلاب، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب، پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و در نهایت تقوای سیاسی و دینی) معرفی می‌کند.	توکلی محمدی مرتضی، ۱۳۹۶	گفتنمان انقلاب اسلامی و حوزه علمیه انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری
نویسنده در این مقاله، دست به بیان مولفه‌های حوزه انقلابی از دو زاویه پیشی معرفتی و رفتاری کارکردی زده‌است و در بخش اول مولفه‌هایی مانند همبستگی دین و سیاست، پذیرش مسئولیت در قبال جمهوری اسلامی و در زاویه دوم، مولفه‌هایی مانند کمک به نظام اسلامی، آموزش طلاب متناسب با نیاز جامعه، تربیت طلاب انقلابی، اشاره کرد.	میرجواد خانی حسین، ۱۳۹۵	مولفه‌های حوزه علمیه انقلابی از دیدگاه امام خسینی و امام خامنه‌ای
در این مقاله پژوهشگر با بررسی ده معیار دست به متناظری حوزه انقلابی زده است و در نهایت مهم‌ترین اقدامات هویت‌ساز در حوزه علمیه را در قالب چهار راهکار معرفی کرده است.	پیروزمند علیرضا، ۱۳۹۶	انقلابی‌گری؛ هویت‌ساز حوزه و روحانیت
مهم‌ترین نقش حوزه علمیه در تحقق تمدن نوین اسلامی که در این پژوهش به دست آمده عبارتند از: تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و انگیزه‌های ناظر به تمدن نوین اسلامی؛ زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی؛ ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلابی	ضابط پور کازی غلامرضا، ۱۳۹۶	نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی یا تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای

نکته مشترک تمام پژوهش‌هایی که در خصوص حوزه انقلابی و حوزه تمدنی انجام شده این است که پژوهشگران در آنها به محتوای مورد بحث و کارکرد محتوایی و شاخصه‌های حوزه علمیه به صورت کاملاً کلی پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر درصدد آن است که علاوه بر بیان شاخصه‌های محتوایی جزئی که حوزه علمیه در تمدن اسلامی باید آن را سرلوحه خود قرار دهد، بحث ساختار حوزه تمدنی بر اساس اندیشه امام خامنه‌ای است که متأسفانه تا کنون در پژوهش‌ها مورد غفلت واقع شده را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این وجه متمایز دیگری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش، مقایسه و نقد طرح جدید حوزه‌های علمیه است که تا کنون اقدامی در راستای بررسی آن صورت نگرفته است. از این رو موضوع مذکور با عنوان «انتظارات از حوزه علمیه تمدنی با نگاه به بیانات مقام معظم رهبری؛ بررسی انتقادی برنامه جدید ابلاغی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در سال ۱۴۰۱» موضوعی است که تا آنجایی که نگارنده به فحص پرداخته، در ادبیات موجود، مسوق به سابقه نمی‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر با توجه به گام‌های مختلف بر سه روش مرحله تقسیم می‌شود. در گام نخست پژوهشگران به منظور شناخت وضع موجود، با استفاده از روش فراتحلیل وضع موجود را شناسایی کردند و در این مسیر جهت بیان مولفه‌های اثرگذار در این فرایند، از مرور ادبیات، واکاوی اسناد بالادستی ابلاغی توسط حوزه‌های علمیه و تجربه زیست دوازده ساله یکی از پژوهشگزار بدست آمده است. در گام دوم، پژوهشگران با مطالعه اسناد بالادستی منتشر شده (بیش از ۱۰۰۰ صفحه سند ابلاغی حوزه‌های علمیه در سال ۱۴۰۱) گزاره‌های مهم و تاثیرگذار و متفاوت برنامه جدید ابلاغی را احصاء و بیان کرده‌اند. در نهایت در گام سوم با استفاده از روش تجزیه و تحلیل شکاف (Gap Analysis) به تحلیل شکاف بین ادعاهای مطروحه با اهداف در نظر گرفته و انتظارات رهبری از حوزه علمیه تمدن ساز و انقلابی پرداخته شده است.

یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها برای تجزیه و تحلیل فرآیندها، تجزیه و تحلیل شکاف یا گپ است. تجزیه و تحلیل شکاف، یک فرآیند گزارش دهی است که در حوزه‌های مختلف برای بهبود فرآیندها استفاده می‌شود. اگر فرآیند تجزیه و تحلیل شکاف قوی باشد، در نهایت به مدیران این توانایی را می‌دهد تا تعیین کنند که در چه جایگاهی قرار دارند و در چه جایگاهی می‌خواهد باشند. شکاف، در فرآیند تجزیه و تحلیل شکاف، به فضای بین «جایی که هستیم»، یعنی وضعیت فعلی و «جایی که می‌خواهیم باشیم»، یعنی وضعیت هدف یا وضعیت مطلوب، اشاره می‌کند. صرف نظر از نوع موضوع، دنبال کردن ۵ مرحله زیر کمک می‌کند تا تجزیه و تحلیل شکاف را اعمال کرد و به اهداف خود رسید.

۱. تجزیه و تحلیل وضعیت فعلی

گام نخست در این مهم تجزیه و تحلیل دقیق محیطی است که هدف مورد نظر در آن قرار دارد و شناسایی وضعیت فعلی آن است. آنچه در این مرحله اهمیت دارد، درک ریشه مشکلات است که در صورت مشخص کردن همه عوامل موثر، بسیار ساده‌تر می‌شود.

۲. شناسایی وضعیت ایده آل در آینده

برای کشف این مهم باید سوالاتی مانند موقعیت مطلوب چه است؟ چه اتفاقی مانع رسیدن به جایگاه مطلوب شده است؟ یک ابزار تجزیه و تحلیل شکاف مناسب در این بخش، ایجاد یک تابلوی طوفان فکری یا یک نقشه ذهنی است.

۳. کشف شکاف و ارزیابی راه‌حل‌ها

با کنار هم قرار دادن وضعیت موجود و وضعیت ایده آل، آنچه بین عملکرد و جایگاه بالقوه وجود ندارد، مشخص می‌شود. همچنین باید تصمیم گرفت که کدام راه‌حل‌ها به صورت کارآمد و موثر این شکاف را پر می‌کنند.

۴. اجرای طرح پر کردن شکاف

بعد از اینکه راهکارهای ممکن برای پر کردن شکاف را ترسیم شد، باید با یک برنامه مناسب، سایر افراد دخیل در موضوع را نیز در مورد این موضوع متقاعد کرد.

۵. نظارت بر تغییرات

گام نهایی این روش با نظارت بر هر گونه تغییر، به پایان برساند. گاهی اوقات عملکرد سازمان کاملاً درست بوده، گاهی اوقات شکاف ایجاد شده، بیشتر از آن چیزی بوده که فکر می‌کردید، برخی مواقع نیز در ارزیابی موقعیت فعلی سازمان اشتباه کرده‌اید و... در هر صورت، تجزیه و تحلیل شکاف، می‌تواند یک فرآیند دایره‌ای باشد که در آن، پس از ایجاد تغییرات، کسب و کارتان می‌تواند موقعیت فعلی خود را مجدداً ارزیابی کرده و آن را با وضعیت آینده مقایسه کند.

یافته‌های پژوهش

برای ورود به بحث لازم است تا ابتدا ساختار و محتوای موجود در حوزه‌های علمیه را پیش از تغییرات ایجاد شده مورد بررسی قرار داد و ویژگی‌های آن را تبیین کرد. ساختار رسمی حوزه‌های علمیه تا پیش از سال ۱۳۹۵ با وجود تاکیدات چندباره مقام معظم رهبری مبنی بر اصلاح آن، شکل نسبتاً ثابتی را داشت. این ساختار در سال ۱۳۹۵ و بعد از سه سال جلسات کارشناسی و تحقیق حول ساختار جایگزین، تغییراتی را در دستور کار خود قرار داد که به مدت ۶ سال به صورت آزمایشی در مدارس محدود مورد بررسی و آزمون و خطا قرار گرفت و در نهایت در سال ۱۴۰۱ ابلاغیه

نهایی ساختار جدید محتوایی و آموزشی توسط مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ابلاغ شد. در این مرحله، نگاهی کوتاه به ساختارهای قدیم و جدید طراحی شده انداخته می‌شود و ویژگی هر کدام بیان می‌شود.

ساختار حوزه‌های علمیه تا سال ۱۴۰۱ (وضع موجود)

ساختار این سال‌های حوزه علمیه ساختاری کاملاً متصلب بود و شامل یک سری قوانینی بود که به ندرت یک طلبه می‌توانست آنها را تغییر دهد. مسئولین آن روزهای حوزه‌های علمیه به منظور جلب اهداف سه گانه زیر، این چنین ساختاری را تعریف کرده بودند:

۱. ایجاد نظم در اجرای برنامه‌های آموزشی؛

۲. ایجاد وحدت رویه اجرایی در همه مدارس؛

۳. تقویت روحیه انضباط آموزشی طلاب.

ورودی حوزه‌های علمیه در آن سال‌ها، از طریق یک آزمون سراسری و هماهنگ از بین متقاضیان (اعم از سیکل، دیپلم، کارشناسی و بالاتر) انجام می‌شد و پذیرفته شدگان بعد از گذراندن دوره‌ای یک ماهه با عنوان دوره اختبار و تثبیت به عنوان طلبه علوم دینی شناخته می‌شدند. مباحث و منابع طراحی شده برای تمام طلاب به جز موارد محدودی ثابت بود. پژوهش در این سیستم به جز برای گذراندن سطوح ۳ و ۴ جایگاهی نداشت و طلبه به صورت آکادمیک وارد عرصه پژوهش نمی‌شد. نیازمندی‌های جامعه از روحانیت و پاسخگویی به نیازهای روز در برنامه رسمی حوزه جای مشخصی نداشت و اگر اتفاقات مثبتی هم پیش می‌آمد، متکی به شخص بود و برنامه‌ای از جانب ساختار یا محتوا برای آن طراحی نشده بود. بر اساس این برنامه، طول دوره تحصیل شامل سطوح سه گانه که شامل ده پایه (۱۰ سال) و درس خارج که شامل چهار دوره (۴ سال) می‌باشد که تقسیمات دوره تحصیلی حوزه و الزامات ارتقاء از یک سطح به سطح بعدی در شکل زیر بیان شده است.

جدول شماره ۲) تقسیم بندی سطوح بر اساس برنامه قدیم

یله اول	یله دوم	یله سوم	یله چهارم	یله پنجم	یله ششم	امتحان شفاهی	۱ ۲ ۳
یله هشتم	یله نهم	یله دهم	یله یازدهم	یله دوازدهم	یله سیزدهم	امتحان شفاهی	۱ ۲ ۳
یله دهم						امتحان شفاهی	۱ ۲ ۳
دوره خارج ۱ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۲ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۳ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۴ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۵ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۶ + امتحان شفاهی	دوره خارج ۷ + امتحان شفاهی	۱ ۲ ۳

نکته پایانی قابل ذکر ساختار حوزه‌ها در سال‌های مذکور این است که اگر طلبه به صورت موازی در یکی از موسسات تخصصی وابسته به حوزه‌های علمیه حضور پیدا کند، بایستی تمام دروس را همانند سایر طلاب سپری کنند. در نهایت بیان این نکته ضروری است که ساختار حوزه‌های علمیه در آن سال‌ها، ترکیبی از ساختار دانشگاه و مدارس مقطع متوسطه بود که از یک سو با منابع درسی محدود و مشخص تلاش شده بود تا نظم و یکدستی ایجاد شود.

ساختار ابلاغی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در سال ۱۴۰۱ (در مسیر تغییر و تحول)

ساختار ابلاغی جدید تفاوت‌های ماهوی بسیاری با ساختار قبلی حوزه‌ها دارد. این تغییرات هم در نحوه پذیرش، هم مواد درسی و هم سطوح مختلف به وضوح قابل لمس است. از این رو برای آشنایی با این تغییرات با مراجعه به ابلاغیه اخیر حوزه‌های علمیه، این تغییرات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ابلاغیه جدید برای آموزش در حوزه‌های علمیه سه مرحله را پیش بینی نموده است که طلاب با گذراندن سطوح مختلف این مراحل را طی می‌کنند و توانمندی‌های هر مرحله را کسب می‌کنند. این مراحل عبارتند از:

۱. مرحله آشنایی: در این مرحله آشنایی اجمالی با اصطلاحات و مفاهیم اساسی علم صورت می‌گیرد و درک کلی از ساختارها و روابط مباحث آن علم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مرحله شناخت: در این مرحله، طلاب علاوه بر فهم اصطلاحات و مفاهیم اساسی علم با تکیه بر مبادی تصویریه، با مفاهیم فرعی و جزئی علم با استناد به مبادی تصدیقیه شناخت پیدا خواهند کرد و به فهم مسائل و قواعد فرعی و پر کاربرد در آن علم ورود پیدا خواهند کرد.

۳. مرحله تسلط: در این مرحله طلبه، توانایی فهم اقوال مختلف در مورد مسائل اساسی، آشنایی با مبانی اقوال مختلف، فهم کامل قواعد جزئی و فهم موارد استثناء به همراه توانایی ترجمه متون علمی هم تراز کتب آموزشی و توانایی تبیین دیدگاه‌های مختلف به صورت نقل قول غیر مستقیم و در نهایت توانایی نوشتن مقالات ترویجی را کسب می‌کند.

نخستین ویژگی خاص این برنامه که فقدان آن در برنامه‌های پیشین احساس می‌شد، موضوع طبقه بندی متقاضیان ورود به حوزه در ابتدای امر است. همانگونه که پیش تر هم بیان شد تا پیش از این تمام متقاضیان ورود به حوزه علمیه، همگی با یک برنامه درسی رو به رو بودند و در این میان تفاوتی بین نوجوان دارای مدرک سیکل و دانشجوی دکتری وجود نداشت. همگی یک منابع و دروسی را بایستی طی می‌کردند؛ اما در برنامه جدید حوزه‌ها، متقاضیان با توجه به سطح تحصیلات پیش از ورود به حوزه، به سه دسته تقسیم می‌شوند و حجم دروس موظفی در سطح یک متفاوت است.

جدول شماره ۳) دسته بندی متقاضیان ورود به حوزه در طرح جدید

دسته بندی	موضوعات	موضوعات	موضوعات
دسته اول	دانش آموزان پایه هفتم و نهم	دانش آموزان پایه نهم نوره دوم	دانش آموزان سواد راهنمایی و نول و نهم دبیرستان نظام قدیم
دسته دوم	دانش آموزان پایه یازدهم و دوازدهم	دانش آموزان سواد دبیرستان و پیش دانشگاهی نظام قدیم	دانشجویان کمتر از ۳۰ واحد
دسته سوم	دانشجویان بیش از ۳۰ واحد گذرانده شده و بالاتر		

از دیگر ویژگی‌های طرح جدید حوزه، اضافه شدن دروس اقتضایی روز به دروس سطح یک تا سقف ۱۲۸ ساعت است. این دروس که با صلاح دید مدیر مدرسه علمیه انتخاب می‌شوند،

عبارتند از: بررسی فرق منطقه‌ای، مهارت‌های تبلیغی، تقویت بنیه علمی طلاب در حوزه ادبیات عرب و قرآن، تحلیل موضوعات و مباحث سیاسی و دفاع مقدس.

یکی از نقص‌های بزرگ ساختار قبلی حوزه علمیه، عدم توجه به بحث پژوهش به صورت آکادمیک بود. ضعفی که بواسطه آن، طلبه بعد از ده سال تحصیل در دروس فقهی و اصولی تقریباً بدون سلاح موثر وارد عرصه درس خارج می‌شد و حتی توانایی نگارش رساله موظفی سطح سه را از او می‌گرفت. از این رو در برنامه جدید، جایگاه پژوهش بیش از پیش پررنگ شده و در مقاطع مختلف سطح یک (در نیم ترم های ۵، ۶، ۷، ۸) طلبه موظف است که پژوهش‌هایی را متناسب با دروس انتخابی و تحت نظر استاد انجام دهد. البته به این پژوهش‌ها، پژوهش پایانی سطح یک که با ساختار مقاله‌های علمی ترویجی و تحت نظر یک استاد راهنما است، نیز اضافه می‌گردد که شرط دریافت مدرک سطح یک قبولی و دفاع از این پژوهش است.

در شکل زیر نمای کلی سطح یک را به تفکیک دسته بندی ورودی‌ها قابل مشاهده است.

جدول شماره ۴) تفاوت سطح یک بر اساس تفکیک ورودی‌ها در طرح جدید

پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	پایه هفتم	پایه هشتم	پایه نهم	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه بیستم
پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	پایه چهارم	پایه پنجم	پایه ششم	پایه هفتم	پایه هشتم	پایه نهم	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه بیستم

بیشترین تغییر و تحول برنامه و ساختار حوزه در برنامه جدید، مربوط به سطح دو، سه و چهار خواهد بود که می‌توان از آن به تغییر بنیادی یاد کرد. این سطوح در برنامه جدید، برخلاف برنامه قبلی (انحصار محتوا در فقه و اصول)، به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم می‌شود. در این بین طلاب مخیر هستند که بین دوره عمومی که همان ساختار قدیم حوزه است و بین دوره تخصصی، یک دوره را انتخاب کنند. نکته قابل ذکر در خصوص سطح دو و بالاتر این است که دیگر تفاوتی بین طلاب سیکل، دیپلم و بالاتر وجود ندارد و تمام طلاب بر اساس برنامه اعلامی هر کدام از دوره‌ها به تحصیل می‌پردازند.

دوره عمومی برنامه جدید ابلاغی

این دوره همان دوره و ساختار قدیمی حوزه است که از آن به دوره فقه و اصول هم نام برده می‌شود. این دوره از سطح دو یعنی پایه هفت آغاز می‌شود و تا پایان سال چهارم درس خارج ادامه پیدا می‌کند. در ساختار دوره فقه و اصول تغییر محسوسی در خصوص ساختار سطوح مشاهده نمی‌شود و تنها تفاوت، اضافه شدن برخی از کتب به روز مانند الشخص الاعتباری، الفائق فی الاصول، اساس الحکومه الإسلامیه و بحوث الفقهیه و دروس فی علم الاصول به عنوان منبع درسی است.

دوره تخصصی برنامه جدید ابلاغی

در این دوره طلاب متقاضی، علاوه بر اینکه در حوزه فقه و اصول (محدودتر از دوره فقه و اصول) به تحصیل می‌پردازند، در یکی از حوزه‌های دانشی ۱۶ گانه با اختیار خود و متناسب با علایق و استعدادهای خود، مشغول به تحصیل می‌شوند و همزمان و با تمرکز توأمان بر دو رشته برنامه‌های تحصیلی خود را پیش می‌برند. یکی از تفاوت‌های برنامه جدید با روندی که پیش تر انجام می‌شد این است که در دوره تخصصی دیگر نیاز نیست به اندازه دوره عمومی فقه و اصول مطالعه شود و مباحث فقه و اصول کاهش پیدا کرده و مباحث تخصصی دیگر اضافه شده‌اند.

حوزه دانشی قرآن	حوزه دانشی حدیث	حوزه دانشی فقه و اصول	حوزه دانشی حقیق و لصاق اسلامی
حوزه دانشی زبان و ادبیات عرب	حوزه دانشی فلسفه و عرفان	حوزه دانشی مابین	حوزه دانشی اخلاق، تربیت و مشاوره
حوزه دانشی سیره و تاریخ	حوزه دانشی تاریخ و ارتباطات	حوزه دانشی اقتصاد	حوزه دانشی فرهنگ، هنر و تمدن اسلامی
حوزه دانشی علوم اجتماعی	حوزه دانشی علوم سیاسی	حوزه دانشی ریاضیات	حوزه دانشی کلام، تفسیر، فقه و فلسفه

جدول شماره ۵) حوزه‌های دانشی سطوح عالی در برنامه جدید

تفاوت دیگر ساختار جدید با ساختار قبلی، تفاوت سطوح است. در ساختار قبلی سطح دو عبارت بود از پایه هفتم، هشتم و نهم و شرط گذراندن سطح دو، قبولی در امتحان شفاهی بود و سطح سه، تنها پایه دهم را شامل می‌شد و شرط دریافت مدرک سطح سه، قبولی در امتحان شفاهی

و نگارش رساله سطح سه بود؛ اما در ساختار جدید پایه نهم به سطح سه اضافه شده تا نقیصه‌ای که در ساختار قدیم وجود داشت، از بین برود و توازنی بین دو سطح برقرار شود.

چالش مهم پایانی که در ساختار جدید تلاش شده تا به آن پاسخ داده شود، موضوع تعطیلات بسیار در طول سال تحصیلی است. یکی از بیشترین بازه‌های زمانی تعطیلی در ایام امتحانات بین دو ترم به وجود می‌آید. به عبارتی حداقل یک ماه از دوره‌ای که اختصاص به تحصیل دارد، بدون هیچ آورده‌ای از دست می‌رود؛ اما در ساختار جدید، بحث امتحانات به کلی تغییر پیدا می‌کند. در هر سال تحصیلی، ۵ موسم امتحاناتی طراحی شده است که طلاب می‌توانند، فارغ از برنامه کلاسی جاری، در دو موسم امتحانی برای هر درس حضور پیدا کنند و اگر در هیچ کدام از دو مرحله قبول نشوند، باید آن درس را مجدد انتخاب واحد بکنند. این روند، از یک سو موجب می‌شود تا دغدغه اساتید در خصوص پایان محدوده درسی در بازه زمانی مشخص از بین برود، چرا که بعد از پایان ترم، بلافاصله ترم جدید آغاز می‌شود و تعطیلی وجود ندارد. لذا استاد می‌تواند با خیالی آسوده درس خود را ادامه دهد. از سویی دیگر طلبه هم بر اساس شرایط و اقتضائات شخصی و درسی خود، دو موسم امتحاناتی که برای خودش مناسب‌تر است را انتخاب کند و در آنها با حداکثر آمادگی حاضر شود. نمونه برنامه امتحاناتی را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول شماره ۷) نمونه ای از موسم های امتحانی در طرح جدید

ردیف	نوبت امتحانی	بازه زمانی	عناوین امتحانی
۱	نوبت اول	هفته اول بهمن ۱۴۰۱	فقه و اصول
۲	نوبت دوم	هفته پایانی اسفند ۱۴۰۱	همه دروس
۳	نوبت سوم	هفته اول اردیبهشت ۱۴۰۲	همه دروس
۴	نوبت چهارم	هفته اول تیر ۱۴۰۲	همه دروس
۵	نوبت پنجم	هفته پایانی مرداد ۱۴۰۲	همه دروس

محاسن ساختار جدید نسبت به ساختار قبلی (وضع مطلوب)

ساختار پیشنهادی نسبت به ساختار قبلی نکات قابل توجه و ویژگی‌های مثبتی دارد که به جرأت می‌توان گفت که تحقق این سطح از تغییرات جای بسی امیدواری و قدردانی از طراحان و برنامه‌ریزان این ساختار را دارد. از این رو، برخی از این ویژگی‌ها را به صورت مختصر در جدول زیر آورده می‌شوند.

جدول شماره ۸) مزیت‌های طرح جدید نسبت به طرح قبلی

ردیف	تغییرات مثبت
۱	تفکیک ورودی‌ها بر اساس تحصیلات پیش از ورود به حوزه علمیه و تفاوت حجم درسی
۲	کاهش مدت تحصیل در سطح یک از ۶ سال به ۵ سال در دسته دوم و سوم ورودی‌ها
۳	تاکید بر پژوهش محوری بودن دروس سطح یک و آشنایی طلبه با روش‌های تحقیق
۴	افزایش شدن دروس جنبی روز مانند موارد ذکر شده
۵	ایجاد توازن بین سطح دو و سه با تغییر جایگاه پایه نهم
۶	کاهش تعطیلات از طریق تغییر برنامه امتحانات و ایجاد موسم‌های ۵ گانه امتحان
۷	تقسیم سطح عالی به دو گرایش عمومی و تخصصی
۸	افزودن حوزه‌های دانشی ۱۶ گانه و بر کاربرد در حکمرانی
۹	کاهش حجم تدریس فقه و اصول در رشته‌های غیر فقه و اصولی
۱۰	تدوین کتب درسی جدید و به روز برای تدریس در سطوح عالی
۱۱	افزودن کتب جدید در سطوح مختلف
۱۲	افزودن دوره تابستانی به منظور استفاده بهینه از وقت طلاب و جلوگیری از هدر رفت زمان طلاب
۱۳	الزام به پژوهش علمی در پایان سطح یک
۱۴	اجرای آزمایشی برنامه‌ها به مدت ۵ سال و اصلاح ایرادات و استفاده از نظریات کارشناسان در طول این مدت
۱۵	تلاش برای پاسخگویی به نیازهای روز از طریق تخصصی کردن دانش‌ها
۱۶	تلاش برای نقش آفرینی بیشتر در حاکمیت و حکمرانی از طریق تخصصی کردن دانش‌ها

انتظارات بی پاسخ از حوزه تراز تمدنی در ابلاغیه ۱۴۰۱

اصلاحات ساختاری و محتوایی طراحی شده در ابلاغیه ۱۴۰۱، با وجود تمام محاسن، ویژگی‌های مثبت و گام‌های رو به جلوی آن، ایرادات و نقایصی دارد که باید در اسرع وقت اصلاح شوند تا حوزه علمیه بتواند به جایگاه حقیقی خود در جامعه برسد. در این بخش از مقاله با تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری، ایراداتی که به ابلاغیه جدید از لحاظ ساختار و محتوا وارد است، مطرح می‌شوند. بخشی از این ایرادات از آنجایی که از منظر مقام معظم رهبری طرح شده‌اند، بی‌شک اصلاح آنها گام مهمی در راستای ایجاد و تحقق حوزه تراز تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری خواهد بود. در نهایت نیز نگارندگان پیشنهاداتی را در راستای تحقق این مهم بیان می‌کنند.

۱. هدر رفت منابع و امکانات اصلی حوزه

یکی از انتظارات مغفول در حوزه‌های علمیه هدر رفت زمان و انرژی طلاب و اساتید به عنوان سرمایه انسانی حوزه‌های علمیه است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «ما هستیم و آن نیازهای عظیم و این دشمنی‌های شکننده همراه با نقشه و بدخواهی. حوزه علمیه چه کار باید بکند؟ پاسخ این است که از امکاناتی که دارد، استفاده کند و به احسن و اتقن وجه، خودش را بسازد. نباید یک ذره از امکانات حوزه علمیه که عمده‌اش نیروی انسانی است، هدر رود. نباید یک ساعت درس طلبه یا استاد، زائد و بی‌فایده و غیر ناظر به آن نیازها باشد. طلبه‌ای که در حوزه درس می‌خواند، باید در جهت برآوردن یکی از حاجات و رفع یکی از نیازها حرکت کند، یعنی یا برای داخل و یا برای خارج، یا برای تألیف و یا برای تحقیق، یا برای تدریس و یا برای تعلیم، خود را آماده کند.» (بیانات در آغاز درس خارج، ۱۴/۰۶/۱۳۷۴) هرچند در طرح جدید تا حدودی تلاش شده تا جلوی این هدر رفت گرفته شود؛ اما متأسفانه هم چنان این اصل مهم مورد غفلت واقع شده و سرمایه بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم در حال اتلاف است.

۲. فقدان نیازسنجی درست توسط حوزه‌های علمیه

از بزرگترین نکاتی که با وجود تأکیدات بسیار مقام معظم رهبری همچنان مورد غفلت واقع شده است، بحث تربیت نیرو بر اساس نیازهای جامعه است. مقام معظم رهبری در خصوص این اصل

مهم می‌فرمایند: «بزرگانی که در رأس شورای عالی حوزه علمیه هستند، باید به صحنه دنیا و داخل کشور نگاه کنند و ببینند چه نیازهایی وجود دارد و چگونه می‌توان این نیازها را تأمین و افرادی که رفع این نیازها را می‌کنند، تربیت کرد. بعضی از نیازها با ماندن ۴ سال در حوزه تأمین می‌شود. بعضی از نیازها با ماندن ۱۰ سال تأمین می‌شود. برخی دیگر با ماندن ۱۵ سال و بعضی هم ممکن است با ماندن ۲۰ سال در حوزه تأمین شود. چرا آن کسی را که با ۴ یا ۵ سال تحصیل در حوزه می‌تواند بخشی از نیازهای ما را برطرف کند، بی‌جهت ۱۰ سال در حوزه نگه داریم؟ باید برنامه‌ریزی کنیم و کسانی را به این حد برسانیم. امتیازاتی را قائل شویم و هر کس هم مشخص باشد که چه نیازی را می‌تواند تأمین کند.» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۴/۰۶/۱۴)

هر چند حوزه‌های علمیه، با طراحی بستری مانند سفیران هدایت، تلاش خود را کرد تا در این مسیر گام بردارد؛ اما متأسفانه نه تنها این امر محقق نشد، بلکه با روش نادرست مشکلات بسیاری را در قالب سفیران هدایت به جامعه حوزوی اضافه کرد. از این رو، مسئولین حوزه باید در اول امر، نیازهای جامعه را که حوزه علمیه می‌تواند پاسخ‌گوی آنها باشد را شناسایی کند و در مرحله بعدی به تربیت نیروی مناسب برای تحقق آن نیاز پردازد. موضوعی که در این چهل سال به شدت جای خالی آن احساس می‌شود.

۳. غفلتی با نتیجه عدم گسترش کمی

یکی از نقاط مغفول که مقام معظم رهبری بسیار به آن تأکید داشته‌اند، بحث عدم گسترش کمی روحانیت متناسب با شرایط جامعه است. ایشان در خصوص این مهم می‌فرمایند: «یکی از این نارسایی‌ها، عدم گسترش کمی متناسب روحانیت است. درست است که الان روحانیت نسبت به آن وقتها، ده برابر یا به اعتباری صد برابر شده است، اما در عین حال، هنوز ما گسترش کمی لازم را نداریم. یعنی مسجد و دانشگاه و روستا و کارخانه و سربازخانه‌ای که روحانی ندارد و کشوری که مسلمانانش از وجود روحانی بی‌بهره‌اند، زیاد داریم. بنابراین، همین حجم عظیمی هم که امروز مشاهده می‌کنید، از لحاظ کمی گسترش لازم را ندارد. این، نارسایی آشکاری است که کسی هم نمی‌تواند منکر آن شود.» (بیانات در دیدار جمعی از فضلا و نخبگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۳) هر چند در ظاهر این مشکل برای سال ۱۳۷۴ بوده و امروز شرایط با وجود سازمان

های عریض و طویلی مانند ستاد اقامه نماز و امور مساجد و ... بسیار فرق کرده است؛ اما گزارشی که خبرگزاری فارس در اردیبهشت ۱۴۰۲ منتشر کرد، نشان می‌دهد که عمق فاجعه بسیار است. فارس در گزارشی مدعی شد که «در مجموع از حدود ۶۳ هزار مسجد شیعی کشور، حدود ۲۹ هزار مسجد از یک تا سه وعده نماز جماعت دارند و بیش از ۵۰ درصد مساجد خالی است». حال سوال اینجاست که حوزه‌های علمیه چه تدبیری برای این مهم داشته است؟ آیا ساختار جدید این نیاز را پاسخگوست یا اینکه با اضافه شدن دوره‌های تخصصی علناً طلبه سطح خود را بالاتر از این می‌بیند تا وظیفه الهی خود را در قالب اقامه نماز در مساجد یا سایر ارگان‌ها انجام دهد.

۴. فقدان مهارت در زبان بین‌المللی و زبان جهان اسلام

یکی از انتظارات مهمی که می‌تواند نقش بسیاری در مقوله تحقق حوزه تراز تمدنی داشته باشد، انتظاری است با نام نگاه بین‌المللی داشتن حوزه. متأسفانه این نگاه در حوزه یا وجود ندارد یا بسیار کم رنگ است، نگاهی که می‌توانست با تدابیر و تصمیمات از جانب مسئولین حوزوی شرایط بهتری داشته باشد. مقام معظم رهبری در خصوص این مهم می‌فرمایند: «حال شما ببینید محصل و طلبه امروز اگر زبان انگلیسی و عربی نداند، چطور می‌خواهد حرف بزند، کتاب بخواند یا کسانی پیشش بیایند؟! هر زبانی، افق دید وسیعی را به قدر همانی که انسان دارد، جلو او باز می‌کند. ما فقط با زبان فارسی و عربی متنی آشناییم. امروز اگر یک مجله‌ی عربی را جلوی طلبه‌های ما بگذارند، نمی‌توانند معنایش را بفهمند و استفاده کنند. طلبه برای خواندن کتابهای فلسفی و اجتماعی باید زبان انگلیسی بداند و در مسائل گوناگون به قدر لازم ورود داشته باشد. این همه با شانزده سال تحصیل تأمین نمی‌شود.» (بیانات در دیدار شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴) با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک بسیاری که امروز شاهد آن هستیم؛ اما متأسفانه این امر همچنان مهجور مانده و تدبیری درستی در خصوص آن صورت نگرفته است. حوزه‌های علمیه می‌توان با طرح‌های حمایتی خود، طلاب را تشویق کند تا در این مسیر گام بردارند و نیازهای انقلاب اسلامی را مرتفع کنند.

۵. سنت استاد شاگردی؛ سنت در حال فراموشی

یکی از ممیزه‌هایی که پیشتر در حوزه‌ها بسیار پررنگ بود و امروز به دلایل مختلفی روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود، سنت استاد شاگردی است. سنتی که برخلاف حوزه‌ها، در دانشگاه‌ها روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. امام خامنه‌ای ذیل این موضوع می‌فرماید: «ما قبلاً می‌گفتیم که: در حوزه، چنانچه طلبه به دنبال استاد بیفتد و با او تا در خانه‌اش (تا محلّ بعدیش) برود، چیزی یاد می‌گیرد و الا نه. چون استاد، درسش را می‌دهد و می‌رود. در حالی که هر استاد در دانشگاه، یک اتاق دارد، در آن اتاق می‌نشیند و دانشجویان به او مراجعه می‌کنند. ما این را جزو امتیازات دانشگاه بر حوزه می‌دانستیم، ولی امروز می‌بینیم که این وحدت حوزه و دانشگاه، این طور شده است که به جای خصوصیات مثبت، این خصوصیات به هم سرایت کرده است! استاد باید بنشیند، وقت بگذارد و دانشجو آنجا برود و استفاده کند. شما ببینید این کار چه نشاط علمی‌یی در دانشجو به وجود می‌آورد و استاد را چقدر پیش می‌برد.» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۰۶) با وجود تأکیدات این‌چنینی از جانب مقام معظم رهبری متأسفانه شاهد این هستیم که حوزه در ساختار جدید هم طرحی منسجم برای آن نداشته و بواسطه شرایط اقتصادی، این مهم روز به روز دست‌نیافتنی شده است.

۶. کاهش زمان تحصیل برای حصول اجتهاد

یکی از موضوعاتی که ضربه سنگینی به سرمایه اصلی حوزه‌های علمیه یعنی نیروی انسانی (طلاب) وارد کرده است، بحث مدت زمان تحصیل در حوزه برای رسیدن به درجه اجتهاد است. مقام معظم رهبری در خصوص این مهم صحبتی شفاف و دقیق را دارند که جریان حوزه کاملاً مخالف این مسیر است. ایشان در خصوص پروسه رسیدن به درجه اجتهاد می‌فرمایند: «به نظر من ما می‌توانیم، راه اجتهاد را نزدیک کنیم. یعنی من پیش خودم فکر می‌کردم که اگر ادبیات را کوتاه کنیم، سطح را به معنای واقعی خودش برگردانیم (که کوتاه خواهد شد، مثلاً دو سال) درس خارج را هم به خارجی که به حدود یک کتاب محدود است و خارجی که ماعدای آن است، تقسیم کنیم، برای این خارج اول هم دو سه سال زمان معین کنیم، طلبه در ظرف شش تا هفت سال، برای محققانه‌ترین و عمیق‌ترین درسهای خارجی که محققین طراز اول حوزه خواهند گفت، آماده

خواهد شد.» (بیانات در دیدار شورای عالی مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۵/۰۶/۱۵) این یعنی به جای اینکه دورات تحصیل برای رسیدن به درجه اجتهاد، دوره ۱۵ تا ۲۰ ساله شود، می‌توان با کوتاه کردن سطوح و اصلاح منابع علمی آنها، روند را بهینه‌تر کرد. روندی که بواسطه طولانی بودن مدت تحقق آن، علناً بخش زیادی از سرمایه خود را نابود می‌کند و به اقل ناچیزی اکتفا می‌کند. مقام معظم رهبری در این راستا معتقدند که ساختار حوزه باید دارای سه بخش باشد. بخش اول سطح، بخش دوم خارج ابتدایی و بخش سوم خارج اجتهادی. هر چند مدیریت حوزه‌های علمیه تا حدودی در اهداف تنظیم شده خود که بیان شد (رج. صفحه ۹) سعی کرده این مدل را پیاده کند؛ اما خروجی آن با مقصود مقام معظم رهبری فاصله بسیاری دارد.

۷. وحدت حوزه و دانشگاه به عنوان مکمل همدیگر برای جامعه سازی

مقام معظم رهبری در خصوص لزوم وحدت حوزه و دانشگاه تأکیدات بسیاری دارند و همواره بر اجرایی شدن آن به طرفین اصرار ورزیده‌اند. ایشان در خصوص فلسفه این وحدت می‌فرمایند: «مسئله این است که دو جریان علمی و تحصیلی در کشور ما وجود دارد. یکی از آن دو، به علومی مرتبط است که به جنبه‌های ارزشی جامعه می‌پردازند. این جریان، حوزه است که به دین، به اخلاق، به معارف و به فلسفه‌ی الهی می‌پردازد. کار علمی جریان دیگر -دانشگاه- در خدمت نیازهای جامعه است. یک جامعه که نمی‌تواند بدون علم و صنعت و بدون پیشرفت‌ها و تازه‌های کشف شده در میدان معرفت علمی، زندگی کند. بشر به علم و عالم همان قدر نیاز دارد که به ضروریات درجه یک زندگی‌اش محتاج است.» (بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷) این بیانات بیانگر این مهم هستند که حوزه علمیه و دانشگاه تراز، زمانی به منصفه ظهور می‌رسند که همانند دو بال یک پرنده عمل کنند و در غیر این صورت کمیت‌شان لنگ خواهد زد و هیچ‌گاه به سرمنزل مقصود نمی‌رسند. متأسفانه این موضوع نیز با وجود تأکیدات بسیار مقام معظم رهبری بی‌پاسخ باقی مانده‌اند و در ابلاغیه جدید حوزه تدبیری برای آن سنجدیده نشده است. البته ناگفته نماند که امید است تخصصی شدن سطوح عالی حوزه‌ها و ورود حوزه‌های دانشی به حوزه بتواند این نقیصه را تا حدودی جبران کند.

نکته ضروری دیگر در خصوص وحدت حوزه و دانشگاه بحث نحوه مواجهه روحانیت و حوزه علمیه با دانشگاه است. مقام معظم رهبری در خصوص این موضوع، همواره شهید مطهری، مفتوح و بهشتی را مثال می‌زنند و بر این مهم تاکید می‌کنند که این شهدای بزرگوار زمانی توانستند این برکات را در دانشگاه داشته باشند، به اصطلاح درون دانشگاه زیست کردند و انسان‌سازی را از درون دانشگاه انجام دادند نه اینکه محیطی سومی را ایجاد کنند تا از طریق آن بتوانند پیوندی بین دانشگاه و حوزه علمیه ایجاد کنند.

۸. نقش آفرینی حوزه علمیه در مواجهه با لایه‌های بیرونی خود

انتظار مغفول دیگر که در اندیشه برنامه ریزان حوزه بدان توجهی نشده است، بی‌توجهی حوزه نسبت به لایه‌های بیرونی جامعه مذهبی خود است. از آنجایی که یکی از وظایف حوزه‌های علمیه، پاسداری از انقلاب اسلامی در سطح جهانی است، دغدغه و مسئولیت حوزه علمیه در مواجهه با اهل سنت درون کشور چیست؟ در لایه بعدی این حوزه چه مسئولیتی در قبال شیعیان منطقه و بالتبع اهل سنت در منطقه دارد؟ در حوزه جهانی و تمدنی چه مسئولیتی دارد؟ چه برنامه‌ای برای مواجهه و تاثیر بر کفار و ملحدین دارد؟ اینها همگی مسائلی هستند که پاسخگویی به آنها بنابر رسالت جهانی اندیشیدن و جهانی عمل کردن بر عهده حوزه علمیه است که متأسفانه در این چهل و اندی سال بی‌پاسخ مانده است.

۹. حوزه علمیه محل رجوع تمام جامعه

حوزه علمیه زمانی می‌تواند تمدن ساز شود که محل رجوع تمام جامعه باشد نه قشر و محدوده سنی خاصی از جامعه. از این رو انحصار نسل‌سازی و تربیت نیرو از حداقل سیکل سیاسی تمدنی نیست. اگر به سیره علما سلف نگاهی انداخته شود، مشخص می‌شود که در گذشته مقوله تربیت نیرو و جذب طلاب از کودکی شروع می‌شده است. بی‌شک معارف دینی در کودکی که پاک بوده و فطرت او آلوده به مظاهر مادی و غیر الهی نشده است، بهتر و سریع‌تر می‌تواند به حد اعلای آن برسد. از این رو نکته مغفول مانده حوزه‌های علمیه، بی‌توجهی به کادرسازی از مقاطع زیرسیکل است. بی‌شک تاسیس مدارس از جانب حوزه‌های علمیه که از مقطع دبستان به جذب

دانش آموزان پردازد و همان مباحث مدارس عادی را با نگاهی اسلامی آموزش دهد، نتایج پرباری بدست خواهد آورد.

۱۰. استعدادهای ذاتی طلاب در پروسه تحصیل

با وجود اینکه تغییراتی در برنامه حوزه‌های علمیه در پروسه جذب و کاهش حجم دروس در سطح اول بنابر مقطع تحصیلی ورودی‌ها به وجود آمده است؛ اما این نکته مغفول مانده است که حوزه تمدنی، هیچ‌گاه منحصر به ساختارهای از پیش تعیین شده و اقتباسی از دانشگاه نبوده و باید بنابر استعداد طلبه تنظیم شود. پروسه رسیدن به درجه اجتهاد برای فردی بنابر استعدادهایش ۵ ساله حاصل شود و برای فردی در ۲۰ سال. این سیاست دقیقاً سیاست علما در گذشته بوده است که بنابر استعدادهای شاگردان خود، مسیرهای مختلفی را برای آنها تجویز می‌کردند. با توجه به طولانی شدن مباحث، در نهایت برخی از انتظارات موثر در تحقق حوزه علمیه تراز تمدن اسلامی در جدول زیر بیان می‌شوند:

جدول شماره ۹) انتظارات پیشنهادی در خصوص حوزه علمیه تمدنی

ردیف	انتظارات
۱	آقزودن حوزه های عالی مورد نیاز روز انقلاب اسلامی مانند مباحث امنیت، نظامی، نظامی، جنگ ترکیبی و...
۲	تمرکز زبانی از امتحانات کتبی و بازگشت به سنت امتحانات شفاهی
۳	بهرتری شوره های حوزه مجازی با زبان های مختلف برای تمام مردم دنیا و ارائه گولگی
۴	طراحی آموزش های فنی و حرفه ای برای طلاب به منظور استقلال مالی طلاب
۵	انجرائ سیاست کوچ برخی از طلاب مستعد به اجف و سایر قطب های علمی شیخان
۶	پرورش اساتید برجسته در دروس معارف دانشگاه ها در کنار تولید منابع علمی به روز، دقیق و هدفمند
۷	پر رنگ شدن نسبت حوزه یا ولایت فقیه به عنوان رکن تمدن اسلامی از طریق راه یافتن مکتب و آئینه رهبران انقلاب در محتوای درسی حوزه های علمیه

نتیجه گیری و پیشنهادها

در اندیشه مقام معظم رهبری، حوزه علمیه یکی از بازیگران مهم و اصلی در راستای ساخت تمدن اسلامی و رسیدن به چشم انداز نهایی انقلاب اسلامی است. از این رو تحقق حوزه تراز تمدن اسلامی موضوعی است که از سال‌های آغازین رهبری مقام معظم رهبری مورد تاکید و سفارش ایشان بوده است. این حوزه در این چهل و چهار سال، تغییرات بسیاری را به خود دیده و همواره در رشد پویایی بوده است؛ اما این تغییرات هیچ گاه در مقابل سرعت تحولات جامعه و نسل‌های حاضر در جامعه به چشم نیامده و همواره نیاز آن احساس می‌شد که حوزه بیشتر و بیشتر باید خود را تغییر دهد تا بتواند حوزه تراز تمدن ساز نام بگیرد.

برنامه جدید حوزه‌های علمیه که در سال ۱۴۰۱ منتشر و ابلاغ شد، هر چند گام بزرگی در راستای تغییر ساختار حوزه و به روز شدن آن بود؛ اما حوزه علمیه همچنان کارها و گام‌های بزرگی را باید انجام دهد تا بتواند به سرمنزل مقصود برسد. در این رساله با نگاهی انتقادی این برنامه و محاسن و معایب آن مورد بررسی قرار گرفت و با ترکیب بیانات مقام معظم رهبری و پیشنهادات سیاستی نگارندگان انتظارات مغفول مانده برای رسیدن به این مهم بیان شد که در تصویر زیر می‌توان آنها را مشاهده کرد.

تصویر شماره ۱) نمایه حوزه تمدنی مطلوب



در نهایت، نظر نگارنده این است که حوزه‌ای با ترکیب محاسن برنامه جدید و انتظارات موثر بیان شده، حوزه‌ای خواهد بود که خواهد توانست نقش پررنگ‌تری در تمدن اسلامی ایفا کند و عنوان حوزه علمیه تراز تمدن اسلامی را یدک بکشد.

پیشنهادات پژوهشی

۱. نقش حوزه علمیه در تحقق سیاست‌های منطقه‌ای انقلاب اسلامی؛
۲. نسبت حوزه‌های علمیه در مقابله با هوش مصنوعی به منظور پیشبرد اهداف تمدن اسلامی؛
۳. نقش مراجع محترم تقلید در تحقق حوزه علمیه تراز تمدن اسلامی.



فهرست منابع

- استادیان خانی علیرضا و مولوی وردنجانی عیسی (۱۳۹۹). بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، نشریه علم و تمدن در اسلام، شماره ۶، ص ۹۱ تا ۱۰۹.
- پیروزمند علیرضا (۱۳۹۶). انقلابی گری؛ هویت ساز حوزه و روحانیت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۸۰، ص ۷ تا ۲۴.
- تایلر رالف (۱۴۰۱)، اصول اساسی برنامه ریزی درسی و آموزشی، پور ظهیر علی تقی، انتشارات آگه، نوبت چاپ ۱۶، تهران، ایران.
- توکلی محمدی مرتضی (۱۳۹۶). گفتمان انقلاب اسلامی و حوزه علمیه انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۱۷، ص ۱۱۷ تا ۱۳۶.
- جلالی غلامرضا (۱۳۸۵). سیره نبوی، حوزه های علمیه و الگوسازی، مجله حوزه، شماره ۱۳۸، ص ۲۶ تا ۵۰.
- دانایی فرد حسن (۱۳۹۵). تبیین بایسته های ایجاد تحول در مجامع علمی؛ بررسی موردی سیره علامه طباطبایی (ره) در ایجاد تحول در حوزه علمیه قم، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۵ تا ۵۸.
- دانشیار مرتضی (۱۳۹۱). اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۵، شماره یکم، ص ۸۱ تا ۹۳.
- رضوی سید عباس (۱۳۸۹). همبستگی حوزه های علمیه جهان اسلام در پرتو پیام رسانی دینی، مجله حوزه، شماره ۱۵۷، ص ۱۸۹ تا ۲۴۸.
- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای
- سعید احمدی حسن (۱۳۹۴). تحول در سیستم حوزه علمیه به سمت حوزه تمدن ساز برای تولید سیستم های اسلامی (ظرفیت های تمدن سازی)، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ص ۳۰ تا ۶۱.
- سلیمی علی (۱۳۹۷). کاربرد تحلیل محتوای کیفی در استخراج تحلیل های اجتماعی قرآن کریم: گزارشی تحلیلی از روش یک تحقیق، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۷، ص ۷۵ تا ۹۹.
- صفوی سیدعباس، احمدوند علی محمد (۱۴۰۰). تصویر مطلوب تمدن اسلامی، الزامات و نتایج حاصل از تحقق آن، فصلنامه آینده پژوهی انقلاب اسلامی، شماره ۴، ص ۱۷۷ تا ۲۰۶.
- ضابط پور کاری غلامرضا (۱۳۹۶). نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، فصلنامه سپهر سیاست، شماره ۱۴، ص ۱۸۵ تا ۲۰۵.

طباطبایی فر سید محسن (۱۳۹۶)، *اجتهاد پویا؛ رویکرد حوزه انقلابی*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۸۰، ص ۷۳ تا ۱۰۰.

گزارش خبرگزاری فارس، آمار غیررسمی از اوضاع مساجد،
<https://www.farsnews.ir/news/14020230000437>

مقیم سید محمد (۱۳۹۴)، *مبانی سازمان و مدیریت*، انتشارات راه دان، چاپ دوم، تهران، ایران.
موسسه لوح و قلم (۱۳۹۸)، *منشور پانزده جلدی حوزه و روحانیت*، جلد ۴ اصلاح و تحول، چاپ اول، قم، ایران.
میرچراغ خانی حسین (۱۳۹۵)، *مؤلفه های حوزه علمیه انقلابی از دیدگاه امام خمینی از دیدگاه امام خمینی و امام خامنه ای*، فصلنامه پیام، شماره ۱۲۱ و ۱۲۲، ص ۲۲ تا ۳۹.

میرزایی یحیی (۱۳۸۹)، *حوزه های علمیه و شاخصه های حضور جهانی*، مجله حوزه، شماره ۱۵۷، ص ۳۵ تا ۵۸.
واعظی رضا و محمدی محسن (۱۳۹۶)، *الگویی برای ارزیابی خط مشی های عمومی در ایران مطالعه خط مشی مالیات بر ارزش افزوده*، فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی، ش ۲۹، ص ۴۸ تا ۷۲.

